95891 ـ حکم برداشتن موی زائد اطراف عورت زن توسط پزشک زن

سوال

من از موی زائد پرپشت در منطقۀ زیر بغل و منطقۀ حساس (عورت) رنج می‌برم. آیا برای من جایز است که این مو را نزد پزشک زن با استفاده از لیزر از بین ببرم؟ موی زائد من بسیار پرپشت است و استفاده از تیغ و کندن آن بسیار مرا اذیت کرده طوری که باعث تخریب پوست آن منطقه شده است.

پاسخ مفصل

الحمدلله.

بر زن واجب است که عورت خود را از کسی که دیدن عورتش برای او حلال نیست بپوشاند و عورت زن در برابر زن، در قول جمهور فقها مابین ناف و زانو است.

کشف عورت در صورت نیاز مانند درمان جایز است و در صورتی که قضیه متعلق به عورت غلیظ باشد، شرط است که این نیاز مؤکد و قوی باشد.

بر این اساس برداشتن موی زیر بغل با لیزر به شرط آنکه مضر نباشد اشکالی ندارد.

اما برداشتن موی اطراف عورت با لیزر به دست یک پزشک زن به شرطی جایز است که نیاز قوی به آن باشد مانند آن موی آنکه محل بسیار زیاد باشد و برداشتن آن با روش‌های دیگری مانند کندن و تراشیدن امکان نداشته باشد و خود شما هم نتوانید برای اجتناب از دیده شدن عورت شما توسط پزشک، با راهنمایی پزشک خودتان به واسطۀ لیزر آن را بردارید.

عز بن عبدالسلام ـ رحمه الله ـ می‌گوید: «ستر عورت‌ها واجب است و از گرامی‌ترین جوانمردی‌ها و زیباترین عادات است به ویژه در زنان نامحرم، اما برای ضرورت و نیاز جایز است. نیازها همانند نگاه هر یک از زوجین به یکدیگر و نگاه پزشک به بیمار برای مداوا است. اما ضرورت مانند مداوای زخم است. برای نگاه به عورت غلیظ از آنجایی که دیدن آن بسیار قبیح است شرطهایی هست که در نگاه به دیگر عورت‌ها نیست و همینطور در ضرورت و حاجت نگاه به عورت غلیظ زن شرطهایی هست که در نگاه به عورت مرد نیست، زیرا در نگاه به عورت آنان ترس از به فتنه افتادن می‌رود. همینطور نگاه به قسمت‌هایی از ران که نزدیک به زانو است مانند نگاه به باسن نیست». نگا: «قواعد الأحکام» (۱/ ۱۶۵) به اختصار.

خطیب شربینی می‌گوید: «بدان آنچه دربارۀ حرمت نظر و لمس بیان شد در مواردی است که نیازی به آن نیست. اما به

هنگام نیاز نگاه و لمس مباح است، مانند حجامت و درمان حتی در منطقهٔ شرمگاه، برای نیازی که باعث آن شود؛ زیرا در این شرایط تحریم باعث حرج است» (مغنی المحتاج: ۴/ ۲۱۵).

حنبلیان یکی از عذرهای مباح کنندهٔ کشف عورت را رفع موی شرمگاه برای کسی می‌دانند که نمی‌تواند خودش این کار را انجام دهد، چنانکه ابن مفلح ـ رحمه الله ـ در فروع (۵/۱۵۳) آورده است.

والله اعلم.